

همچون گذر از باد

گروه نویسندگان:

امیر اولیایی

محبوبه جعفرزاده

جاوید حضرتی

بهاره ساعتی

عبداله سلمانی

ناهید برادران اسکندانی



شابک :	۹۷۸-۹۶۲-۸۰۱۲-۲۲-۲
شماره :	۲۲۵۲۲۶۹
کتابشناسی ملی :	
عنوان و نام پدیدآور :	همچون گذر از باد/ گروه نویسندگان امیر اولیایی... [و دیگران].
مشخصات نشر :	تهران: قیزیل قلم، ۱۳۹۰.
مشخصات ظاهری :	۱۱۰ ص.
پادداشت :	گروه نویسندگان امیر اولیایی، معصومه جعفرزاده، جاوید حضرتی، بهاره ساعتی، عبدالله سلمانی، ناهید برادران اسکندانی.
موضوع :	داستان‌های کوتاه فارسی - قرن ۱۲ - مجموعه‌ها
موضوع :	کمپنه‌گرایی (ادبیات) - ایران
رده بندی دیویی :	۸۱۵۲/۶۲۰۸
رده بندی کنگره :	PIR۲۲۲۹/۵۸۲ ۱۳۹۰
شناسه افزوده :	امیراولیایی، محمدعلی، ۱۳۲۵ -
وضعیت فهرست :	کتاب
نوعی :	نویسی

عنوان: همچون گذر از باد

تألیف: گروه نویسندگان

قطع: رقی

نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۰

شمارگان: ۱۰۰۰

لیتوگرافی: مجید گرافیک

صفحه آرائی: مؤسسه سایه نو (۰۴۱۱-۵۵۵۹۴۲۱)

چاپ: جمالی

قیمت: ۳۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۹۶۲-۸۰۱۲-۲۲-۴

ناشر: انتشارات قیزیل قلم - مؤسسه فرهنگی، هنری و پژوهشی قیزیل قلم.

نشانی: تبریز - خیابان شریعتی جنوبی - جنب بانک رفاه - مجتمع امیرکبیر - طبقه ۲

تلفکس: ۰۴۱۱-۵۵۳۰۷۰۲

حق چاپ محفوظ است.

فهرست

مقدمه	۱
امیر اولیایی	۱۹
معصومه جعفرزاده	۳۷
جاوید حضرتی	۵۳
بهاره ساعتی	۷۱
عبداله سلمانی	۸۷
ناهید برادران	

با یاد او که همه چیز از اوست

مقدمه

در قرن بیستم ادبیات جهان بیش از طول عمر خود دچار تحولات ساختاری گردیده است. در حقیقت سر شاخه‌های این درخت دیگر شباهتی با تنه اصلی ندارد. عوامل بسیار زیادی باعث این تغییرات شده‌اند، اما می‌توان دو عامل را در شکل‌گیری این دگرگونی شگرف بیش از دیگر عوامل دخیل دانست.

نخست، نشر و پیشرفت سطح سواد عمومی در جهان و پراکنش آن در طبقات مختلف اجتماعی بدون محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی. همین امر موجب شد تا ادبیات از یک کالای لوکس آریستوگرانی بیرون آمد و ناچار از تماس با تمام اقشار جامعه گردید و مخاطبین دیگری یافت. این گسترش به خاطر دو سویه بودن هنر و خصلت‌های آن تأثیری دو جانبه را ایجاد کرد؛ هم موجب تغییراتی در مخاطبین گردید و هم خالق اثر هنری به خاطر ایجاد رابطه بیشتر ملزم به رعایت زیان قابل درک برای عموم، به دور از پیرایه‌های پر زرق و برق قرون ۱۷ و ۱۸ و ۱۹ گردید.

دومین عامل تأثیرگذار، پدیده‌های تصویری مانند سینما و تلویزیون بودند که در آغاز چندان هم جدی گرفته نشدند و بیشتر به عنوان سرگرمی و تفریح مطرح شدند، اما به زودی عرصه کار برای آنها وسعت یافت و هم در حیطه هنر و هم در آموزش جایگاهی کاملاً جدی پیدا کردند، حتی در پاره‌ای از موارد توسعه آن از حد متعارف هم گذشت و بیش از نشر، اوقات مخاطبین را به خود اختصاص داد و رقیب جدی برای ادبیات شد.

ادبیات در قرون گذشته و حتی ابتدای قرن بیستم به خاطر خصلت آرام زندگی، بیشتر توصیف‌گرا بود و همین باعث طولانی شدن می‌گردید. به طور مثال بالزاک در "بابا گوریو" با توصیف و تشریح فضای پانسیون آغاز می‌کند که در حدود ۵۰ صفحه از کتاب را به خود اختصاص می‌دهد. اما همین قسمت داستان در یک فیلم می‌تواند در چند شات و در ظرف یک دقیقه مطرح شود و اثر خود را بگذارد.

پر واضح است این سرعت در انتقال مفهوم، عادت می‌گردد برای مخاطبین پیش می‌آورد که از ادبیات هم همین انتظار را داشته باشند. دیگر کمتر کسی حوصله خواندن ۴۵ صفحه را در ظرف یک ساعت دارد.

بی‌شک این عامل نویسندگان را به فکر برد تا برای تداوم رابطه با مخاطبین راه کوتاه‌تری به کار گیرند.

این دوری از اتلاف وقت در ادبیات فرانسه موجب گردید تا مکتب نگاه به وجود آید. آلن رب گریه یکی از پیشگامان این مکتب می‌گوید: "باید تمام حس‌ها را از میان برداشت، مگر حس بی‌نایی." و البته این طرز تفکر ما را مقید به زیست در زمان حال می‌کند نه در گذشته و نه آینده... و اگر چیزی باید راجع به این دو زمان گفته شود ناگزیر باید به صورت حال اندیشه به گذشته و حال اندیشه به آینده باشد. حرکت در عرض و نه در طول. در حقیقت چنین روایتی پیوستگی زمان دارد بدون قطع. درست مانند نگاه کردن.

هنگامی که نویسنده‌ای از مشاهده‌ی منظره‌ای به وجد می‌آید می‌داند که آفریننده آن نیست، اما این را هم می‌داند که اگر نبود روابط و نسبتها به اجزای تشکیل دهنده آن منظره برقرار نمی‌شد. هر چیز در زیر نگاه ما مفهوم و ارتباط می‌یابد. ما می‌توانیم تفسیر روشنی از این روابط را به وجود بیاوریم. نویسنده بین غایت و بی‌غایتی قرار دارد و رابط نگاه دیگران می‌باشد. و منظورش مانند

هر هنری آن است که به خواننده اش نوعی احساس عاطفی بدهد که در عرف عمومی لذت و زیبایی است. و باید در خاطر داشت هرگاه این احساس عاطفی بروز کند دلیل بر آن است که اثر هنری به اتمام رسیده است. موضوع مورد بحث در هر داستان به طول و کثرت توصیفاتی که از این می شود بستگی ندارد. بلکه به سبب پیچیدگی و ایجاد عمق احساس همزاد پندارانه است که به ژرفای هستی می رسد و شکل واقعی می گیرد.

بوریس توماشفسکی کوچک ترین واحد داستان را نقش مایه می داند و آن را به صورت یک گزاره درک می کنیم. آشنا ترین نوع نقش مایه ها آن چیزی است که موجودیت آن را می پذیریم و یا امکان پذیرش آن را می دهیم بدون توجه به صورتها و تصاویری که در ذهن ایجاد می کند. حتی زمانی که اجزا آن کاملاً پیچیدگی دارند. هنگامی که خواننده یک رمان بلند می خواند با جهان بینی و فلسفه ای که نویسنده در آن محیط اثر خود را خلق کرده است و بدان اعتقاد دارد آشنا شده و به قضاوت می پردازد. حال اگر این فلسفه در تضاد و تقابل فرهنگی با مخاطب باشد درک همزاد پندارانه ای آن را دشوار می شود. لذا اثر دیگر نمی تواند حالت لذت و زیبایی را به وجود آورد و تلاش خالق اثر کم رنگ می شود.

ادبیات برای از بین بردن این تقابل فرهنگی و فلسفی ناگزیر بود به سمت موتیف ها حرکت کند، با کمترین واژه و بالاترین مفهوم، به گونه ای که فرصت تقابل فرهنگی و تضاد فلسفی برای مخاطبین پیش بیاید. در چنین حالتی است که لذت و زیبایی حاصل می شود و کار نویسنده به اتمام می رسد. و در چنین ضرورتی فلاشر با قطعی زیر صد کلمه در عرصه ادبیات جهان به وجود آمد. در اینجا لازم می دانم با افتخار اعلام کنم گرچه در عرصه ادبیات داستانی ما از

جهان دوست سال عقب هستیم اما باید مباحثات کنیم که در عرصه ادبیات نوین
فلاشرنویسی هشتصد سال از جهان پیش هستیم.

سعدی شاعر و نویسنده توانای ما در گلستان خود بهترین نمونه‌های فلاشر
را به جهان ارائه داده است. اگرچه لفظ آن پیچیده و غالب نثر آن قافیه‌دار است.
و اینک تعدادی از جوانان اهل فکر و قلم که سالهاست فلاشرنویسی را
تجربه کرده‌اند، قصد دارند حاصل تلاش‌هایشان را به علاقمندان عرضه کنند.
در صفحات پیش رو آثار نویسندگان که در ابتدای نوشتارشان مختصری از
شرح احوالشان نیز آمده را ملاحظه خواهید کرد تا چه قبول افتد!

امیر اولیایی

امیر اولیایی

سال ۱۳۲۵ در تهران چشم به جهان گشود. در سال ۱۳۵۰ به استخدام صدا و سیما درآمد و تا سال ۱۳۷۵ که باز نشسته شد به عنوان کارگردان، نویسنده و مونتور خدمت نمود. وی بیش از ۲۰۰ فیلم مستند، داستانی، و تلویزیونی ساخته است و هم اکنون پس از بازنشستگی به عنوان مدرس در انجمن فیلم استان و چند موسسه دیگر فعالیت دارد.